



هم‌میهنان مبارز!

**اختلافات درونی هیأت حاکمه ضد خلقی نه بر سر  
منافع توده‌های محروم بلکه بخاطر کسب قدرت و پیدایش  
کردن راه‌های هر چه مناسب‌تر سرکوب و استعمار  
کارگران و دیگر زحمتکشان است.**

**● اتومبیل حامل ارتشی  
و پاسدار در جاده سنندج  
مربوآن به کمین پیشمرگان  
کومه‌له افتاد.**

● ۵۹/۹/۱۶ - یکدست‌ساز  
پیشمرگان کومله (پهل شهید قطیبه)  
در جاده مربوآن - سنندج - در -  
بین پایگاه‌های "آریزو" تیرتیز به  
کمین دشمن نشستند. در ساعت  
یک بعد از ظهر یک اتومبیل سمیرغ  
حامل ۱۵ تن از پاسداران و جاسوسها  
و یک سلسل کالیبر ۵۰ کیلومتر افتاد و  
ومورد حمله آنها قرار گرفت. در نتیجه  
آتش سلا‌ح‌های پیشمرگان ۵ الی ۷  
نفر از زنیروهای دشمن کشته و چند تن  
زخمی شدند. اتومبیل آنها نیز از کار  
افتاد. پس از این عملیات پیشمرگان  
سالم به محل‌های خود بازگشتند.

دست‌آورد‌های قیام توده‌ها روگردان  
نیود مانند چک‌سائی را میخواهند  
بفریبند؟

اگر خمینی و سردمداران حزب  
جمهوری اسلامی در طی بیش از یکسال  
و نیم اخیر بنام دفاع از اسلام مبارزان  
نفر از زحمتکشان ایران را با خاک و خون  
کشید مانند بیتی صد رود است -  
اثر نهر همیشه در جرای این جنایت  
ها با آنها هماهنگ بود مانند  
اختلاف آنها نه بر سر منافعی توده‌های  
محروم بلکه بخاطر کسب قدرت و  
پیداکردن راه‌های هر چه مناسب‌تر  
سرکوب و استعمار کارگران و دیگر  
زحمتکشان بود. در این  
دعوت‌نامه آنها برای بدست آوردن  
قدرت با هم دیگر برآمدند. اختتام  
بقیه در صفحه ۳۰۳

رها سازد که دیگر این مسئله جدا  
مانند روز روشن آشکار گردید ما است  
و بی‌شک خود ما هم است این  
وضع را در رزید آنها می‌بیند نه تنها به  
آن اعتراضی نداشته بلکه با سکوت خود  
همراهی آنهاست کوشش برای تشبیه  
حکومت جمهوری اسلامی آنرا تا تشبیه  
همکردن است و اکنون که این جنایات  
بندت ریج خشم توده‌های مردم را بر  
انگیخته است و با وقاحت تمام می‌نمود  
میسازد که با آن اعتراض دارد. هر روز  
خلخال و دیگر ما مورین جلا در زیند  
جلوچشمان بیتی صد رکارگران و  
شغفکاران مبارزان را می‌راند و ن  
محا که بگویند که این آتشی می‌سازد و  
با پیشروی نام آنها را همراهی میکنند  
رژیم شاه و قاجاری‌ها اعلام میکنند  
اما بیتی صد رکوچکترین اعتراضی هم  
بدان نکرد است؛ هر روز صد ها مرد  
بیشه و شکایت خانوادگی‌ها را دیده  
ای که فرزندانشان در زندانها به  
شکنجه‌های وحشیانه کشید شد مانند  
بد فترت پیش‌جمهور رسید است. اما  
او نمود میکند که تازه متوجه این  
مسائل شده است و به آنها اعتراض  
دارد.

بیتی صد رود آورد ستایش که در  
بدوش خمینی و پیشستی و دیگر  
تجمعین از هیچ جنایتی برای سرکوب  
کارگران و زحمتکشان به مال کردن

رشد روز افزون ناراضی بیتی  
و اعتراضات عمومی و در نماز تیره و  
تاری که رژیم ضد خلقی حاکم در  
برابر خود می‌بیند، اختلافات  
دارودسته‌های درون هیئت حاکمه را  
افزایش داده است. مهمترین  
اختلافات، بین جناح بیتی صد رود  
حزب جمهوری اسلامی است که  
آکنون دیگر خودشان آشکارتر از پیش  
در سخنرانی‌ها و اجتماعات و در  
طی روزها آن صحبت می‌کنند. آنها  
بیتی صد رود اعتراضات و مبارزات توده‌ها و  
سوانحی خود را در سرکوب کامل این  
جنبش بگردن هم‌دگر می‌اندازند و  
و هر کدام میخواهند با عواضی  
گناهنا بسامانی اوضاع را بحساب  
ودسته دیگر گردانند تا خود را از آتش  
خشم توده‌های مردم برکنار نگه  
دارند.

روزها شورآشنید بد که بیتی صد رود  
یک سخنرانی در تهران در آورده  
حزب جمهوری اسلامی را (بدون  
اینکه از آنها نام ببرد) مورد حمله قرار  
داد و از جمله گفت که در دادگاه‌ها  
بعد از آنی هست؛ در روز دیو توپوز  
سانسور برقرار است؛ در زندانها  
نسبت به زندانیان شکنجه اعمال  
میشود...

بیتی صد رود رحالی سومی میکنند  
گریبان خود را از شکنجه‌ها رزید در بند

هر کدام که پیروز شوند و با هم سازش و توافق با هم برسند پسرای زحمتکشان و خلقهای ایران نصیبی جز فقر و فلاکت و اسارت و عقب ماندگی بهاری نمی آورند .  
چندی پیش متن نامه ای که مبنی صدر خطاب به خمینی نوشته بود منتشر شد و در اینجا بخشهایی از این نامه اشاره میکنیم :  
دفتر ریاست جمهوری  
بسمه تعالی

**بند زمین**  
وضعی را که در آنم از ما بهتر و داناتر نیست یعنی ملی کرد و معرور شد داشته ام آقای اردبیلی پیام شما را ابلاغ کرد و موضوع جلسه در روزناچار موضوع **مجلس** .

آن بار که موافقت با تحویل گروگانها به دولت مخالفت تبدیل شده به معروض رساندم و در جلسه شورای انقلاب در حالیکه از شدت همچنان وضه می گریستم گفتم بکاری که از موضع قدرت حل نمیکند ناگزیروری از موضع ضعف و تسلیم حاصل خواهیم کرد و بد بخاتنه آن روز رسیده است .

گریه مبنی صد ریخاطرا نیست کها و بی برد ما است که دیگرمان آنکه با بازی داد ن گروگانهای آمریکائی بنام " مبارزه ضد امپریالیستی " هوا فزینی کنند گذشتهاست . و باید راههای تازه تری پیدا کنند در حالیکه خمینی و بعضی دیگر از مترجمین فکر میکنند مدتی دیگرنیز میتوانند از این شیوهها برای فریب مردم استفاده نمایند .  
... چند بار در باره بدتر شدن وضع اقتصادیک کشور عرض مطلب کردم و خود نیز تمیذاتم و امروز دولت دیناری نرسد از او دارد از بانک مرکزی بگیرد و خرج میکند و با وجود جنگ و تورم چه بر سر ایران خواهد آورد ؟ خدا خود رحم کند .

با وجود چنین وضع فلاکت باری که رژیم بنا به اعتراف خودشان بدان دچار است و می بینیم که تاکنون از صوف میلیاردها تومان پول برای سرکوب و کشتار زحمتکشان ایران و پیوسته در کردستان کوچکترین تری بدی بخشود راه اندازد و پیوسته از این روزها

شدید تر ادامه داد مانند همین بنی صدر بود که اعلام کرد تا خلق سلاح کامل در کردستان ارتشیان و پاسداران نیاید بیوتینها نشان را در رهبا و ...  
کمی بود بود چه و توری که اکنون بنی صدر را آن می نالد و میخواهد تمام تقصیر آنرا بگردن رفیقان جنایتکارش بیاورد از دیکه از عوارض سرکوب آزادبها و سرکوب کارگران و انقلابیها و کشتار خلق کرد است . مردم ایران با تحمل این گرانگانی اکنون همای آن دهها هزار رگوله خمیازه و توپ و زراکت و ناپالمی را می برد از ند که مفرمان این رژیم جبار و خونخوار و همین بنی صدر و خمینی بر سر خلق کرد فروخته شده است . حقوق آن پاسداران و ارتشیان را میبرد از ند که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش کارگران و خلقهای تحت ستم اجبر نمود ما است .

... چند نیت عرض کردم این دولت لایقی بر اوضاع نیست و سر نوشت کشور را هم در این لحظات نباید بدست کسانی داد که کترین علم و اطلاعی از وضعیت کشور ندارند و لیاقتها نشان در حد اقل است ، مسوع نقد ...

چه کسی فراموش کرده است این د ولتی که اکنون بنی صدر با آن مخالفت میکند بوسیله مجلس شورای انتخاب و تائید شده است که در جریان انتخابات نمایندگان نمایندگانش به آشکارترین وجهی حقوق همه رأی دهندگان پایمال میشود و خلق کرد نیز در چند شهر کردستان که پیروزی نمایندگان انقلابی آن در انتخابات حتمی بود از شرکت در آن محروم گشت و در رفیقها شهرها نیز از زور نمایندگان انتخاب شد های کهبه کمترین امتیازی هم قانع شد نبودند و جلوگیری کردند . هم چنین هم بیاد دارند که خلق کرد در انتخابات ریاست جمهوری هم شرکت نکرد و صند و قهای رأی را خالی از کردستان بر گردانند . و همه این موارد بنام انتخابات آزاد و شرکت مردم در تعیین سر نوشت خود ما هها خوراک تبلیغاتی بنی صدر و د این روزها

... چند بار عرض کردم این را دیروز تلویزیون کارش تحریک است و چند بار عرض کردم بخدا نیازی براد بیوتینها نیستند اما این را دیروز تلویزیون با حسن تبلیغات زمینها اجتنامی انهدام انقلاب را فراهم می آورد بجای توجه و پیروی کردن این عناصر آقای نوری که مدعی است به حکم شایع برای داره خمین با جار و فاسق نرواند فراموش شود و نوزاد سلطه زور و کسب دیگر جلوه گیری میکنند .

این همان را دیروز تلویزیون می است که شب و روز بر طبله نیروهای انقلابی و مترقی سم پاشی میکند و در روز فردا زبهای خود را بعنوان خیر و نفع پسر بخورد مردم ایران میدهد . این دستگاه در جعل اخبار منسوخ بکردستان آنقدر می آبروشده است که دیگر همه جا مورد تسخر مردم قرار میگردد .

... بخدا قسم هیچ رئیس جمهوری این قدر ظلم ننداشت و این همسرا بخاطرا بنکشا را ترجیح تحمل کردم اما باحالا پایم بود و نبود کشور در پیمان است ... مردم دارند بد میکنند در شهرهای خوزستان اضطراب به نهایت است بدر شهرهای دیگر هیچ چیز نیست و صف ها هر روز طولانی تر میشود .

آنچه که امروزه را در جنگ ارتجاعی ایران و عراق بر سر مردم خوزستان آمد و توده های استمد بد را بچنین روزی انداخته است و ما هها است در کردستان رژیم مغرور جمهوری اسلامی بر سر خلق کرد می آورد و همه این جنایات هم تحت فرماندهی مستقیم بنی صدر صورت گرفته است . و اکنون هم مهینان جنگ زده ما در خوزستان و ایلام و قصر شیرین بخصوصی در می یابند که توده های خلق کرد طی ماههای گذشته چم سختیهای دست و پنجه نرم کرده اند و چگونگی سرسختانه در مقابل تنها جم رژیم جمهوری اسلامی مقاومت کرده اند . اما اگر بنی صدر از ظلم صحبت میکند هنگامی است که بخودش ظلم شده یعنی تمام قدرت در اختیارش نیست . اگر از بد گوئی و اعتراض مردم به رژیم صحبت میکند و نصیحتا با مستر

سستی است که به تودمهای مرد شده بلکه از این مسئله غمگین است که مردم در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم سرتسلیم و رضا فرود نیامده و حکومت جبارانه آنان تسنند داده اند .  
 ... مردم مقبولیت ( این دولت ) در جامعه توانایی در حقایق و خصوصیات ناتوانی در بکارانداختن چرخها و قالیچه و قاصد روزافزون دستگاههای اداری - اجرایی . اگر این دولت همانند وضع رژیم پهلوی تبدیل نمیشود ...

این تشنه دولت رجائی نیست که مقبولیت خود را از دست داده است و تودمهای مردم اسپران در تجربه "روزانه" خود هر روز بیشتر می یابند که تحت حاکمیت سرما - اران و مردم جمعی که بنی صدر روید بگردارود سته های جمهوری اسلامی نمایندگان هستند چاره ای جز مبارزه بی امان ندارند . در مقابل طوفان مبارزات طبقه کارگر و دیگر حمتکشان ایران نه برای دولت رجائی و نه برای ریاست جمهوری بنی صدر هیچ آیند های وجود ندارد . بنی صدر سرنوشت حتمی خود و ولتش را بد رستی پیش بینی کرده است .

... نیروهای مسلح باید از سستباند می واحد پیروی کنند و این شدن سیست مکرر اینکشا اینها را که هزار ساله می و نود تنهایی دارند و طلبکار میشوند را برانید و دست فرمانده کل تواریخ تنظیم دادند به کار نیروها باز نگذارید نه مشل نداشتند کاملاً باز . اگر این جانب هیچ خدمتی نکردیم این خدمت را کردیم که یک ارتش پریشان بزرگند نیاموس برهن و بی راکه در تمام خودتان در اول سال هم برد که بگردد حمل من و من داخل آنسرا خواهد کرد را تحمل گرفتارم و آن در - کرد و پتان و گنبد و آن را بجان خرمی جنگید لم و اکنون تمام غرب ایران من جنگ و امروز ... در تقسیم و حقیقتاً ارتش همین بس که ساخته رژیم شاه بود و اکنون رژیم شما تمام میکند .

و بالاخره بنی صدر اعتراف میکند که خود از ظالمین اصلی کشتار و جنایت در کردستان و گنبد و دیگر نقاط ایران

میباشد . این ارتش شاهنشاهی که بگفته بنی صدر اکنون بر رژیم خمینی خدمت میکند چه در دوره رژیم شاه مزد و روجه در رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه از کشتار و سرکوب زحمتکشان و خلقهای ایران باز نایستاده است و بنی صدر فرماندهی و سازمان دادن این ارتش را از افتخارات خود بحساب می آورد .

+ + +  
 آری بنی صدر هنگامیکه به سانسور و اعتراض میکند مقصودش رفع سانسور و نخست نظرات خود و دارو دستهایش میباشد و نه هیچ گونه آزادی و دموکراسی . اگر از امنیت حرف میزند مقصودش امنیت برای سرما - به داران است تا در بنام آن به استثمای هر چه بیشتر زحمتکشان بپردازند و در این کار خود "آزاد" باشند . اگر از بی لیاقتی صحبت می کند از ناتوانی دارودسته حزب جمهوری اسلامی در بکار گرفتن مناسبترین شیوه ها برای بازسازی ارتش و دیگر دستگاههای دولتی ناراضی است . و اگر از افتخارات خود از کشتار کردستان و ترکمن صحرا صحبت میکند ، میخواهد نشان دهد که برای پاسداری از منافع سرمایه داران از هیچ جنایتی روی گردان نیست . بهمین دلیل آنها باید از وی پشتیبانی کنند .

**بذر کینه  
 در دل آوارگان جنگ  
 کاشته میشود**

● از زمانیکه مردم خوزستان بد نبال جنگ ارتجاعی ایران عراق آواره - شهرها شده اند ، مقامات شهرها استاند اره امام جمعه ، نماینده ، خمینی و ... مردم را بر طبع آنها تحریک کرده اند . "دستغیب" در نماز جمعه در مورد آوارگان جنگ به

مردم شیراز چنین میگوید : اینها که شهرها را ترک کرده اند ضد انقلاب هستند و باید به صورتشان تسف انداخته این مقامات هر روز به پناهانه های مختلف مردم جنگ زده و آواره خوزستانی را مورد اذیت و آزار قرار میدهند .

● استاند ارفارس هنگام بازدید از یک خوابگاه دانشجویی که مردم خوزستان در آنجا اسکان داده شده اند ، با یکی از جوانها برخورد میکند ، بچه پیراهن او را گرفته و با هر خاشاک میکند و میگوید چرا فرار کردی ؟ پاسداران نیز با قنداقی تفنگ او را می زنند که با مخالفت شدید مردم خوابگاه روبرو شدند .

● عدای دیگر آوارگان خوزستان در شاه چراغ شیراز ساکن شده اند . پاسداران به دستور مقامات شهر به پناهانه شستن صحن شاه چراغ مردم را بیرون میکنند . بر اثر ایجاد ترس و وحشت عدای تصمیم به ترک محوطه میگیرند و بقیه مقاومت با این عمل ضد مردم می پاسداران برمی خیزند . از محوطه شاه چراغ بیرون آمده و راه پیمایی بطرف استانداری را آغاز می نمایند . آنها هنگام حرکت شعار میدادند : "مرگ بر پاسدار" حظه پاسداران مردم خوزستان محکوم است ، محکوم است . مرگ بر استانداری حامی سرمایه دارو . . . . . تظاهرات در جلواستانداری به دنبال حظه همیشه اوباشان و فالانژها و تیراندازی هواشناسی پاسداران به هم میخورد . در ایس جریان عدای زخمی و دستگیر می شوند .

● عده زیادی از مردم سوسنگرد و دهات اطراف آواره شده و راهی روستاها و شهرهای دیگر شده اند . عدای از آنها با هوا زرفته و در رسا - ختانهایی نیمه تمام یک شرکت ساکن شده اند . این عدای آوارگان جنگ خودشان به آنجا رفته و هر چند خانوادهدار یک قسمت زندگی می کنند . زندگی آوارگان ناهای تغذیه و بی توجهی کامل رژیم روستاست .

در جنگ ارتجایی ایران و عراق توده های مردم قربانی و آواره میشوند و آنچه برای طبقات حاکمه و کشور مهم است، حفظ منافع خودشان است و زندگی مردم برایشان هیچ ارزشی ندارد.

**پاسداران مستقر در ستقر**  
**سهروستائی بی دفاع را**  
**به شهادت رساندند.**

● ۵۹/۹/۱۶ - نزدیکی های غروب سفیر از زمختگان روستای "بهره زهره" که برای خرید مساحتی از زمین خود بسقرزفته بود و راه بازگشت سوار بر یک توپوتا بود و هد ف رگها پاسداران و جاشها قرار گرفتند. در نتیجه این سمنف سر پشهادت رسیدند و روانند توپوتا از ناحیه صورت و دهان بشدت زخمی گردید. پاسداران و جاشها بعد از ارتکاب این جنایت پهلها و وسایل آنها را غارت کردند. سپس اجساد شهدا و همچنین راننده زخمی را به بیمارستان سقرز بردند. در بیمارستان پاسداران به راننده زخمی دستبند زدند.

خانواده های شهدا برای تحویل گرفتن اجساد به بیمارستان سقرز رفتند. در مقابل پاسداران به آنها توهین کردند. مردمی که در بیمارستان بودند باین اعمال وحشیانه اعتراض نمودند. مزدوران که با اعتراض عمومی روبرو شدند اجساد را تحویل دادند. اعمال رژیم از علنی شدن جنایاتشان وحشت دارند. اما مانده تنها خلق کرد بلکه خلقهای ایران روز بروز بیشتر با اعمال ضد خلقی آنها بی مهربند. اساسی شهید ابقرا زین راست:

- ۱- ابراهیم پسر ماهی ۳۵ ساله
- ۲- عماد زیند ۲۵ ساله
- ۳- محمد حسین کریم خواه ۲۵ ساله



**پیشمرگان کومه له در گواز**  
**کامیاران ۲ تن دیگر از مزدوران**  
**رزگاری را خلع سلاح نمودند**

● در ادامه تعقیب مزدوران بهمت (رزگاری) چند روز پیش پیشمرگان کومه له (پهل شهید جمشید) وارد روستای "گواز" شده بود و نفسراز مزدوران را دستگیر و خلع سلاح نمودند. پیشمرگان در اجتماع با شرکت اهالی روستا، در مورد ماهیت سپاه مزد و رزگاری و جنگ ارتجایی ایران و عراق برای مردم سخن گفتند. روستائیان این منطقه خود از نزد یک رهبران رزگاری را می شناسند و میدانند که این مزدوران سالها تحت حاکمیت رژیم شاه سرسپرده امپریالیسم آمریکا با ستتا روسرکوب آنان میبرد اختند و اکنون با جمع کردن اربابهای فراری و افراد شرور و بوسيله پول و اسلحه رژیم بهمت عراق سعی در حفظ موقعیت گذشته خود دارند. پیشمرگان کومه له با قاطعیت از زمختگان منطقه در برابر این مزدوران دفاع کرده و در جهت نابودی آنها از هیچگونه فداکاری دریغ نکردند.

**پاسداران ارتجاع و سائل**  
**منزل ماموستا سید غزالین را**  
**غارت کردند.**

● در روزهای اخیر پاسداران چندین بار محلات مختلف شهر را محاصره کرده و میازید خانه ها برداخته اند. در محله "کافی مام قنبران" عده ای را بدین هیچ بهانه ای دستگیر کرده اند که تاکنون در زندان بسر میبرند. در محاصره محله "یرغو" د نفر را دستگیر کردند و در محله "گرمک" مابری را بگلوله بستند که خوشبختانه گوله ها با او صابست نکردند و عا بر جان سالم برد.

در "پشت تب" عده ای از روستا - ثیان را که برای جمع آوری گون - کوه های اطراف رفته بود ند هد ف مسلسل کالمیر. قرار داده، بکنفر رازخمی نمودند.

همچنین پاسداران به منزل ما موستا سید مرالدین پورش سرد مو کلبه وسائل آنرا غارت کرده اند. حمله منزل ما موستا و تاراج اثاثه اندک آن نشانه دیگری از هم سر نوشتی ما موستا با توده های رنج دیده خلق کرد است. این حمله نهایت دشمنی ارتجاع را با خلق کرد و شخصیت مبارز ما موستا نشان میدهد.

● ۵۹/۹/۱۸ - پاسداران و جاشها، همچنان به تفتیش منازل دستگیری و اذیت و آزار مردم میباشند. ادامه میدهند. در میدان "آرد" چند نفر را بدین هیچ بهانه ای دستگیر کردند. در نزدیکی مد رسه شافعی به روی مردم عادی تیراندازی نمودند. یک جوان ۱۷ ساله را که میخواست هر چه زودتر از محل تیراندازی دور شود، تعقیب کرد و بهیشرمانه شهادت رساندند. این اعمال و خشم و نفرت مردم مهاباد را از سر کوهگران افزایش داده است.

**حملات همزمان پیشمرگان**  
**کومه له دو مهاباد به**  
**پایگاه ارتش و مقر پاسداران**

● ۵۹/۹/۲۰ - شب هنگام یکدستان پیشمرگان کومه له (پهل شهید محمد حسین کریمی) باها زوکا به پاسداران مستقر در بوطو - بیرون حمله برد و ضربه سختی بر آنان وارد کردند. دشمن در برابر این حمله فاکگیر شد و نتوانست هیچ گونه عکس العملی از خود نشان دهد. از میزان تلفات هنوز اطلاع دقیقی بدست نیامده است. همزمان با این حمله دسته دیگری



ادامه خبرها باد .

از بهرمرگان همین پل ، راه ورودی - پایگاه " داسامجید " را مهین گذاری کردند . چند ساعت بعد مینها منفجر گردید و یک اتوبوس پل دشمن منهدم شد . در این عملیات بهرمرگان هیچگونه آسیبی وارد نیامد .

### سرهنگ تاج الدینی

ویروز جلال شاه مزدور  
امروز جلال رژیم جمهوری اسلامی



### ادامه بمباران روستاهای پیرانشهر توسط رژیم جمهوری اسلامی

۵۹/۹/۱۴ - رژیم جمهوری اسلامی در ادامه اعمال سرکوبگرانه اش روستاهای کردستان را همچنان مورد حمله هوایی قرار میدهد . به دنبال بمباران روستاهای " میرقاپو " " خدرقاپو " و " بیلکه " و . . . . . فانتومهای جمهوری اسلامی با بمباران راکت بهرروستای گانی "سلاخ" (پیرانشهر) حمله کردند . در اثر این حمله نفرزاهالی آنجا بشدت زخمی شدند و چندین خانه مسکونی ویران گردید . گروهی از پزشکهای کوهلهدر روستای مذکور بمسد اوی زخمی ها پرداخت .

شخصی را که همراهی صد رمل حظه میکنند سرهنگ محمد تاج الدینی فرمانده "ژاندارمری ارومیه" است . سرهنگ محمد تاج الدینی قبل از قیام فرماندهان گرد شدت و یکی از طرفداران متعصب و سرسخت شاه مزدهر بود . بعد ستورا و تظاهرات مردم سرد شدت برای آزادی و نفرازا نقلا بیون بخون کشید شد (یکی از این د و نفر شهید ماجد طاهری بهرمرگ کوهلهدر که چند یه پیش در نبود با ستون زخمی اعزامی بهمانه بشهادت رسید ) در حمله "وحشیانه" این تظاهرات ، ۱ نفر از مردم سرد شدت شهید و ۲۵ نفر زخمی شدند . در تمام تظاهرات قبل از قیام مردم سرد شدت خراستار و ستگیری و صداکها بودند . بعد از قیام و شورای مرتجع شهر برای اینکه سرهنگ تاج الدینی بدست مردم نیفتد وی را تحویل کمیته انقلاب اسلامی در ارومیه داد .

مدتی بعد تاج الدینی طبرقم تقاضاهای زیاد مردم منطقه سرد شدت یعنی بر محاکمه وی توسط کمیته انقلاب اسلامی ارومیه آزاد گردید .

در روز اول جنبش مقاومت سرهنگ تاج الدینی یکی از نمایندگان با اصطلاح پاکسازی غرب کشور بود . بعد ما بهریت سرکوب مردم منطقه بطوردهر زان و ترکیهها و محول شد . و حتی بخاطر جنایاتش در این دوره نیز از پانزدهم جمهوری اسلامی از قیام و زندانها آزاد گردید و سرهنگ تاج الدینی

● بعد از اخراج ده مدیر عامل بوسیله شورا :

## یازدهمین مدیر عامل شورا را منحل اعلام کرد!

(نقل از "روزندگان" شماره ۲۰)

اینروزها شورای کارخانه آلومینیم سازی شهر اراک بخاطر اخراج مدیر عاملی که انتصابی و بیارزها است - بجایها شهره خاص و عام شده است . بالاخره بعد از تمهیدات ۱۰۰ روزه مدیر عامل و حکومت برای سرکوب شورا نقشه تازهای طرح کرد و مدیر عامل جدیدی را از سوی سازمان گسترش به کارخانه مفرستد . این مدیر عامل که از طرفداران جناح حزب حاکم و جمهوری اسلامی میباشد به محض ورود ۱۰ نفر از کارکنان اراک ۳ نفر از آنها عضو شورا بودند ، اخراج کرد و دستور انحلال شورا را میدهد . این عمل با مخالفت شدید کارگران پیرو شد و روز ۱۳ آبان کارگران دست کار میکنند . ظهر همان روز -

"قد یانی" دادستان اراک به کارخانه آمد و خواهان بازگشت کارگران بکار میشود ، که با اعتراض کارگران و سر خورد آنها به مدبرها مثل در مورد انحلال شورا روبرو میشود . آن روز کارگران در رکانتین جمع میشوند و مدبرها ملطبی سخنانی شورا را استول این اتحاد کارگران باعث تعطیل شدن کار میشوند . در این جلسه بار دیگر کارگران پشتیبانی خود را از شورا اعلام کرد و بازگشتن خارج میشوند . تاکنون (اواخر آبان) درگیری بین مدیر عامل و کارگران ادامه دارد .

## مبارزه کارگران گلخانه کبریت سازی ۲۹ بهمن (توکل سابق) تبریز

(نقل از "انقلاب" ارگان وحدت انقلابی شماره ۲۶)

در این کارخانه در تاریخ ۱۷ مهر ماه جاری حادثه ای روی داد که منجمو

زندهای خود بخود یهودن حرکت اعتراضی کارگران را نشان میدهد . در این روز یکی از کارگران که تا زمانه آمد نمود نمود جهت گرفتن مقداری سبزه مدبرها مدبرها را خانه مرا جبهه می نماید . مدبرها قحش و سرخاش از وی "پد برائی" میکند . کارگران هر دو که از سر خورد مدبرها چارخشوپنارا حتی میشود به وی حمله نمود و با کتک مفصلی متقابلا از مدبرها برضد کارگران "بمبائل" میآورد . تا اینکه مزدوران مدبرها در رختها و ارباب خود را از دست کارگران نجات میدهند . متعاقب این امر پاسداران سرمایه و اینها رد و لباس پاسداران کلانتری با تفنگ مدبرها کارخانه میزنند و دنبال کارگران فرستاده تا او با خود ببرند . اما در این موقع مدبرها کارگران کارخانه چون تنی واحد جلوی این مزدوران رژیم ایستاد و میگویند همه ما را ببرید . در نتیجه مزدوران عقب نشینی نمود و دست آنها دراز تر از کارخانه میروند . مدبرها این حادثه و کارگران طلبه مدبرها دست به اعتراض زد و خواست بستن تشکیل شورای واقعی برداخت سود ویژه و مساعدت . . . ۳۰۰۰ توطانی را مطرح میسازند . مبارزه کارگران جهت تحقق خواسته های برحق خودشان همچنان ادامه دارد .

## دانش آموزان انقلابی ایران!

همرزمان دانش آموز شما در کردستان که در سرنگونی رژیم شاه مزدور تاپای جان مبارزه کردند ، اکنون تحت فشار و سرکوب خون آشامان رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند .

آنها همچنان به مبارزه خود علیه این جلادان خلق و پاسداران جهل ادامه میدهند . با ادامه مبارزات خود علیه فشار ، خفقان و توطئه های ضد فرهنگی رژیم به پشتیبانی از دانش آموزان رزمندة کردستان برخیزید .